



ضیایی: علت شروع و تأسیس عربستان برای حفاظت از کانال سوئز بود اما علت باقی ماندنش همین نفتی است که در آن کشف شد

این مسترپلن هماهنگ می کند. سؤال اینجاست که اگر توافقی بین ایران و عربستان شکل گرفت، تحول استراتژیک ایجاد می شود یا خیر؟ آمریکا به هیچ عنوان نگرانی خاصی از ایجاد این روابط ندارد و این بخشی از مسترپلن امریکا است. گاهی لازم است این اتفاقات بیفتد. مراقب باشیم دچار فریب های دیپلماتیک نشویم که مثلاً آمریکایی ها بگویند که وای چرا عربستان با چین قرارداد بست. این اتفاقاً برای فریب شماست.

سفیر سابق ایران در اردن گفت: امریکا در بیداری اسلامی توانست با سفرهای مداوم در منطقه لیبی، مصر و تونس را مدیریت کند. امریکا شرایط را به گونه ای رقم زد که به نفع خودش شد و طرح سوریه را پیاده کرد تا جایی که سوریه را مجاله کرد. تقریباً ۸۵ درصد سوریه به باد رفته بود تا اینکه یک سردار ایرانی رسید و بازی را تغییر داد. بشار اسد مثل بن علی رئیس جمهور تونس قصد خروج از کشور را داشت چون تا نزدیکی کاخ ریاست جمهوری اش رسیده بودند. البته لازم به ذکر است این طرح اولیه قبل از سوریه راجع به ایران هم طرح ریزی شده بود.

وی اضافه کرد: کاری که سردار ایرانی با امریکا کرد، مثل این بود که یک تیم ته جدولی فوتبال را به مربیگری قبول کنید و تا مرحله قهرمانی همراهش باشید پس باید قبول کنیم امریکا طراح خوبی



خراتیان گفت: مادر عالی ترین نهادهای اطلاعاتی کشور دچار خلأ تحلیل اطلاعات استراتژیک هستیم. در اطلاعات میدانی و عملیاتی خوب عمل می کنیم اما در اطلاعات استراتژیک اصلاً خوب نیستیم

به نظرم بهتر بود سرلشکر باقری ارتباطی با عربستان نمی گرفت. این ارتباط یعنی انصارالله آرامکو را نمی زند و حالا حالا کاری با عربستان ندارد. باید به این دقت کنیم که انصارالله تأثیر زیادی بر امریکا می گذارد و اگر اتفاق اقتصادی بیفتد، تأثیر ویران کننده ای بر انتخابات امریکا خواهد گذاشت. اگر ایران درست و حساب شده برخورد کند که دنیا احساس کند که شاید یک دفعه کنترل مان را از دست می دهیم، خیلی تأثیرگذار است.

وی اضافه کرد: طوفان الاقصی و ابر معامله عادی سازی برای ما تأثیرگذار است. قرار بود ما زیر پلن دوم باشیم و با عملیات خرابکاری و ترور درگیر اتفاقات ناخوشایندی شویم. علائم همین پلن دوم هم ترور شاهچراغ بود. ۱۷ اکتبر به نوعی سرنوشت ما و منطقه را تعیین می کند. اگر بنشینیم و نگاه کنیم باز بعد از یک سال به لاک دفاعی می رویم.

خراتیان در پایان این نشست گفت: امیدوارم دوستان شورای امنیت ملی امثال آقای احمدیان که اصلاً صحبتی نمی کنند، از انزوا بیرون بیایند و ابتکار عمل دیپلماتیک را در دست بگیرند و طوری سازماندهی کنند که خون هایی که ریخته شده، هدر نرود.

مطرح شد و مقدمه عادی سازی در وسط آتش بس یمن و وسط نشست وین و بعد از آن قضیه جریان زن، زندگی و آزادی با حمایت بسیار سنگین سعودی با حجم پولی که بن سلمان برای کمپین سازی خرج کرده و واقعاً غیر قابل وصف است. چیزی که در کمپین توئیتر (X) بود، دومین سرمایه گذار توئیتر (X) سعودی است. فقط کافی است که کمپین سازی ها را علیه کمپانی های ایرانی مثل ماموت، گلرنگ، دی جی کالا و میهن بررسی کنیم که واقعاً وحشتناک بود. همه می دانند که این طرح مشترک سعودی و موساد بود.

وی اضافه کرد: بحث اینجاست که بعد از اتفاقات زن، زندگی و آزادی می خواستیم به هر قیمتی که شده خودمان را از زیر فشار خلاص کنیم. حالا به جای اینکه سراغ مهره استراتژیک مثل انصارالله برویم که فقط کافی بود آنها اقدامی انجام دهند اما باز ما نگران جام جهانی قطر بودیم. اگر انصارالله آرامکو را می زد، نقش مناسبی در کنترل قیمت نفت بازی می کرد و فشاری که تورم نفت بر تورم امریکا می آورد باعث می شد اقدامی علیه امریکا باشد زیرا تورم امریکا با نفت پایین و بالا می شود. سؤال اینجاست که چرا باید حساس باشد؟ زیرا پیش بینی یک رکود خفیف در امریکا شده است.

منافع مناسبی به دست آورد. در آن زمان چین زیر فشار امریکا بود و می خواست بگوید که من می توانم نقش میانجی گر جهانی را بازی کنم. ابتدا در اوکراین ایفای نقش کرد و می خواست از زیر فشار ژئوپلیتیک امریکا خارج شود و سپس به سراغ محمود عباس رفت و خواستار میانجیگری بین آنها و اسرائیل شد که چین در هر جفت نقشه ها به شکست خورد. البته اعتبار خوبی هم کسب کرد ولی چیزهای زیادی را از دست داد. تهران و پکن در این میان کلاه به سرشان رفت و چین دقیقاً در اجلاس گروه ۲۰ (G20) متوجه شد.

وی ادامه داد: چیزی که من عرض می کنم این است که ما در عالی ترین نهادهای اطلاعاتی کشور دچار خلأ تحلیل اطلاعات استراتژیک هستیم. در اطلاعات میدانی و عملیاتی خوب عمل می کنیم اما در اطلاعات استراتژیک اصلاً خوب نیستیم. مثلاً انصارالله را تحلیل می کنیم که در جایگاه ژئوپلیتیک باب المندب و نقش آن بر شاهراه های انتقال انرژی بسیار اهمیت دارد. اگر در مذاکرات وین در ماه مارس آرامکو زیر آتش انصارالله بود و چشم انداز جنگ اوکراین که مبهم بود و نفت ۱۲۰ دلار و بایدن نگران انتخابات، ما چیزهای زیادی می توانستیم از امریکایی ها به دست بیاوریم ولی کاری از پیش نبردیم. ما خودمان را معطل یکسری چیزهای مسخره کردیم.

این کارشناس مسائل بین الملل افزود: ماه آوریل بود که آتش بس شد و معامله سه جانبه بن سلمان و بایدن ۲ ماه بعد از آن شکل گرفت. این مقدمه معادله عادی سازی بود که قضیه کنترل بازار نفت و قضیه باز شدن حریم هوایی سعودی برای اسرائیل

خراتیان: چین در این توافق سرش کلاه رفت زیرا فکر می کرد عربستان به سمت چین می رود اما امریکا به سمتش رفت

